

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۴/۰۱
تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۴/۱۱

شیوه‌های علمی و اثربخش پلیس در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر

فیض الله اکبری دستک^۱

چکیده

فریضه امر به معروف و نهی از منکر، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین بنیادهای فروع دینی اسلام در گستره وسیعی از آموزه‌های متون مقدس قرآن و حدیث به‌روشنی مورد تأکید قرار گرفته و اجرای آن ضامن حیات و بالندگی جامعه اسلامی و ترک آن نافی هويت انسانی و حیات حقیقی بشریت و عامل سقوط و انحطاط اخلاقی- اجتماعی مسلمین قلمداد شده است. این فریضه که در لسان معصومان (ع) به‌عنوان اشرف الفرائض معرفی شده، آن‌چنان که باید و شاید در میان جوامع اسلامی مورد اهتمام و عملکرد جدی قرار نگرفته و مهجوریت آن در این کشور اسلامی بر کسی پوشیده نیست.

در سال‌های اخیر نظریه به‌کارگیری و نقش آفرینی پلیس ناجا در هرچه بهتر اجرا شدن این فریضه شرعی، موافقان و مخالفان این طرح را به همراه داشته که با وجود عقیم ماندن نسبی طرح مزبور از سوی طرفین مناقشه، عملاً به نوعی، آسیب دیگری همچون مهجوریت مضاعف امر به معروف و نهی از منکر و نیز مظلومیت دوچندان نیروهای خدوم و ایثارگر ناجا و نادیده گرفتن زحمات طاقت فرسا و توانمندی فوق‌العاده آنان را به همراه داشته است.

از این‌رو مقاله حاضر می‌کوشد تا از یک‌سو با نگاهی دوباره، منزلت و کارکردهای بی‌بدیل فریضه امر به معروف و نهی از منکر را بازخوانی و بازگویی نموده و از سوی دیگر، با تبیین ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و امتیازات منحصر به فرد پلیس و ارائه راهبردها و راهکارهای علمی مبتنی بر مبانی عقلی و دینی، بر اهمیت و ضرورت نقش آفرینی اثربخش ناجا در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر تأکید ورزد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، امر به معروف، نهی از منکر، پلیس، راهبردها، آسیب‌ها، امنیت.

(۱). استادیار دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرج.

۱. مقدمه و طرح مسئله

جوامع بشری همواره با خطر سقوط در گرداب‌های فساد و ظلم و تباهی مواجهند و انسان‌ها در معرض تیرهای هوای نفس و شیطان قرار دارند. اسلام در مبارزه با فساد و استمرار آن و هوشیاری نسبت به دشمنان از یک سو و محافظت و رهایی پیروان خویش، آموزه‌ها و راهبردهایی را پیش بینی کرده است که هم از جنبه پیشگیرانه بدان توجه می‌شود و هم از جنبه مصون ماندن آنان در برابر خطرات و آفات فردی و گروهی، مورد اهتمام جدی قرار می‌گیرد که فریضه امر به معروف و نهی از منکر یا همان مشارکت عمومی و نظارت همگانی از جمله این راهبردهاست.

امر به معروف و نهی از منکر از اصول عملی اسلام و از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین فرائض دینی است که از یک طرف ضامن گسترش ایمان و ارزش‌های اخلاقی در میان جامعه بشری بوده که بدون آن سایر احکام عبادی نیز اقامه نخواهد شد و از طرف دیگر مایه حیات، نشاط، پویایی و احساس امنیت اجتماعی جامعه اسلامی به‌شمار می‌رود، به گونه‌ای که در انبوهی از آیات قرآن و احادیث پیشوایان معصوم (ع) اهمیت، جایگاه و کارکردهای گوناگون این فریضه و همچنین عواقب و پیامدهای جبران ناپذیر ترک فعل و یا فراموشی آن به وضوح بیان شده است.

این در حالی است که با وجود اذعان صریح متون مقدس دینی آیین اسلام به نقش برجسته و بی‌بدیل فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر در فرایند حیات فردی و اجتماعی جامعه اسلامی و نیز هشدار قاطع آن نسبت به تعطیلی و یا کم‌رنگ شدن این واجب شرعی، همچنان شاهد مهجوریت و مظلومیت این تکلیف دینی در میان جوامع اسلامی از جمله در جمهوری اسلامی ایران می‌باشیم. هر چند که در سال‌های اخیر قوانینی چند از سوی قانونگذاران ذیربط در باره ضرورت احیاء هر چه بیشتر امر به معروف و نهی از منکر و نیز لزوم حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در کشورمان به تصویب رسیده است؛ ولی به صراحت می‌توان گفت که هم خود فریضه امر به معروف و نهی از منکر و هم آمران به معروف و ناهیان از منکر همچنان در غربت و مهجوریت شکننده‌ای به سر می‌برند و همواره مورد بی‌مهری و بی‌توجهی زائدالوصفی قرار گرفته‌اند.

این روند نگران‌کننده تا آن جایی به پیش رفت که عده قابل توجهی از دلسوزان و دلوایسان دینی

و غیرتمند اعم از مردم و مسئولان کشوری از لزوم حضور و نقش آفرینی کارکنان خدوم و فداکار ناجا به نام پلیس امر به معروف و نهی از منکر سخن به میان آورده، بر آن پای فشرده‌اند. در مقابل این دسته از طراحان و پیشنهاد دهندگان، عده‌ای دیگر نیز به مخالفت برخاسته و ادله خود را در مواضع مختلف و به اشکال گوناگون بیان نموده و به دفاع از آن برخاسته‌اند. در همین راستا، مقاله حاضر قصد دارد تا با نگاهی دوباره به منزلت و اهمیت والای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و تبیین ابعاد گوناگون کارکردهای این فریضه و پیامدهای ترک فعل آن از یک‌سو و تقریر ادله موافقان و مخالفان نقش پلیس در اجرای امر به معروف و نهی از منکر از سوی دیگر، ضرورت نقش آفرینی مثبت و هم‌افزایی پلیس ناجا را با اتخاذ راهبردها و شیوه‌های علمی و اثربخش در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، مورد بررسی و مذاقه قرار دهد.

۲- اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر

به‌طور قطع باید گفت که آیین اسلام تنها آیینی است که نگاهی کلان و جامع در عین حال ظریف و منعطف به مسئله امر به معروف و نهی از منکر داشته و از زوایا و مناظر گوناگونی مقوله نظارت همگانی و مشارکت عمومی مردم را احیاء و اجرای ارزش‌های انسانی و دینی را مورد مذاقه قرار داده است و هیچ‌کیش و آیین دیگری تا این اندازه به مقوله امر به معروف و نهی از منکر نپرداخته؛ بلکه سهم پرداخت سایر ادیان الهی در این امر مهم مکتبی در مقایسه با دین اسلام، بسیار ناچیز و ناتمام است. از همین روی، قرآن کریم به‌عنوان آخرین سروش و وحی آسمانی و کلام مقدس ربّانی جلوه‌گاه تام و تمام اهتمام و اعتنا به فریضه تمدّن ساز امر به معروف و نهی از منکر قرار گرفته و از سوی دیگر، در سیره و سنت تابناک پیامبر اعظم (ص) و امامان معصوم (ع) ضرورت مسئله نظارت همگانی در راستای حاکمیت ارزش‌های الهی و انسانی و نیز آسیب‌ها و تهدیدهای پیش روی امت اسلامی در صورت اهمال و یا ترک این واجب دینی و عقلی، به روشنی تبیین و تحلیل شده است. این در حالی است که در بیش از پنجاه آیه از قرآن کریم موضوع امر به معروف و نهی از منکر به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم مورد مذاقه و محاجّه قرار گرفته و اهمیت و جایگاه، ضرورت و فلسفه، شرایط، کارکردها و راهکارهای توسعه فرهنگ نظارت همگانی و همچنین پیامدها،

آسیب‌ها و تهدیدهای ترک این فریضه شرعی با کلامی شیوا و بلیغ، بیان گردیده است. قرآن کریم در نخستین گام، از ترسیم جامعه دینی امر به معروف و نهی از منکر را مأموریت عمده و سرلوحه رسالت اساسی پیامبر اکرم (ص) معرفی نموده و پیروان آن حضرت را نیز به تأسی از این سیره نبوی و الگوی حسنه دعوت نموده است تا در سایه آن به حیات طیبه و رستگاری نائل آیند:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...» (اعراف، ۱۵۷).

قرآن کریم در گام دوم، اجرای امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه خطیر و شاخصه روشن مؤمنین از مردان و زنان که برخی نسبت به سایر اهل ایمان از شأن ولایت برخوردارند، می‌داند و در عین حال، انجام این فریضه را در ردیف سایر واجبات شرعی همچون اقامه نماز و اداء زکات و نیز اطاعت از خدا و رسول او قرار داده است که این همسویی و همگرایی، خود به صراحت بر وجوب این فریضه اسلامی دلالت می‌کند. همچنان که قرآن در بیان مواعظ و وصایای لقمان حکیم به فرزندش، مسئله امر به معروف و نهی از منکر را جزء اصول بنیادین رسالت آن پیامبر در برابر امت خویش، معرفی می‌نماید:

«يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان، ۱۷).

در گام سوم، قرآن مجید اجرای این فریضه را به‌طور خاص و مشخص برعهده گروهی معین و ستادی ویژه می‌نهد تا زمینه‌ها و بسترهای لازم را برای دعوت عموم مسلمین به سوی خیرات و نیل به فلاح و نیکبختی فراهم سازند: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۰۴) در آیه مزبور، بیشتر مفسرین «من» را به معنای تبعیض، اعتبار کرده‌اند و بر این باورند که مقوله امر به معروف و نهی از منکر وظیفه طایفه خاصی (نامعینی) از مسلمانان است و دلالت بر آن دارد که این فریضه، واجب کفایی است. (زمخشری، بی تا: ۱/۴۵۲) اما برخی دیگر همانند زجاج «من» را در آیه مربوط بیانیه دانسته‌اند که برای مشخص نمودن مخاطبان از دیگر اشخاص مردم ذکر شده است که معنای تقدیری آن «و لتكن جميعكم» است. لذا بر این



فرض، امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی است که با انجام بخشی از مردم، تکلیف آن از عهده سایرین ساقط نمی‌شود (طوسی، التبیان، ۱۴۰۹: ۵۴۷۲؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۳۵۶۱).

صرف نظر از وجوب عینی یا کفایی مسئله امر به معروف و نهی از منکر، مخاطب این آیه، عموم مؤمنان هستند که موظف شده‌اند از میان خود، گروهی را برگزینند که از یک سو مردم را به سوی خیر و نیکی فراخوانند و از سوی دیگر، آنان را به سوی معروف‌ها و ارزش‌ها، امر و از ارتکاب معاصی و منکرات نهی کنند؛ زیرا راه خوشبختی و رستگاری از مسیر دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، می‌گذرد و آن‌گاه که این واجب الهی در جامعه دینی نهادینه و محقق شود، در این صورت این گروه ویژه و دغدغه‌مند، به‌عنوان الگو و تراز سازمان‌های تبلیغات دینی و فعالان اسلامی با شاخصه «بهترین امت» جلوه‌گر خواهد شد که در میان جامعه اسلامی ظهور و بروز پیدا نموده است و البته ریشه و مایه آن را باید در احیا و اجرای تام و تمام فریضه امر به معروف و نهی از منکر جستجو نمود:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلَ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران/ ۱۱۰).

اهمیت این آیه که امر به معروف و نهی از منکر در ردیف ایمان به خدا در آن قرار داده شده، آنجاست که از یک سو خداوند، مؤمنان را به واسطه انجام این فریضه اسلامی ستایش نموده و از سوی دیگر، چنین القاء می‌نماید که مؤمنان هر چند که در سایه اخلاص و تقوا، تمام واجبات دینی را ادا و از ارتکاب محارم نیز اجتناب می‌نمایند، مادامی که به تکلیف نظارت همگانی خویش قیام نکرده باشند، شایسته تمجید و ستایش مذکور در این آیه نخواهند بود. همچنان که خداوند، عالمان یهود و نصاری را که از خواص طبقات اجتماعی محسوب می‌شوند به خاطر ترک این فریضه به شدت مورد انتقاد قرار داده، توبیخ می‌نماید: «لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (مائدة، ۶۳) و حتی قوم بنی اسرائیل از امت حضرت داوود (ع) و حضرت عیسی بن مریم (ع) را به سبب ترک نهی از منکر مستحق لعن و نفرین، برشمرده است: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ * كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (مائدة/ ۷۸-۷۹).

شیوه‌های علمی و اثر بخش پلوس در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در مواجعه با مردم

قرآن کریم در گام چهارم، اجراء و انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه و متوجه متمکین از قدرت و اقتدار در جامعه بشری می‌داند و آنان را به خاطر قیام به این فریضه بزرگ در سایه تشکیل حکومت و دولت اسلامی، تمجید می‌نماید: «الَّذِينَ إِذْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (الحج، ۴۱). روشن است که بر طبق آیه فوق، حاکمان و دولت مردان در جامعه دینی نسبت به اقامه نماز و اداء زکات به همان اندازه مسئولیت و قدرت دارند که نسبت به مقوله امر به معروف و نهی از منکر نیز با همان ابزارها و مکانیزم‌های تعیین شده در شرع و قانون دارند و البته این بدان معناست که حاکمیت می‌بایست در ایجاد بسترها و زمینه‌های لازم برای تحقق فرائض الهی از جمله فریضه امر به معروف و نهی از منکر به مانند سایر واجبات، غایت خدمات و امکانات خویش را بسیج نموده و آن‌ها را به‌طور متعادل و متوازن در راستای انجام این دست از تکالیف دینی به کار گیرد.

علاوه بر اینکه قرآن کریم به صراحت در مواضع گوناگونی بر اهمیت و جایگاه بی‌بدیل سیستم نظارت همگانی و فریضه دینی امر به معروف و نهی از منکر پای فشرده است، این موضوع با تعبیر گوناگون و تفاسیر روشنی در منظومه احادیث و سیره و سنت پیشوایان معصوم (ع) مورد اهتمام و تأکید جدی قرار گرفته است. از همین روی، عترت رسول خدا (ص) هم‌نوا و هم‌صدا با آیات نازل شده بر رسول خدا (ص) به تبیین منزلت و مرتبت امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و مؤمنان را از عواقب وخیم و پیامدهای زیان بار ترک و یا سهل انگاری در انجام این فریضه عظیم اسلامی آگاه کرده‌اند.

پیامبر خدا (ص) در ضمن حدیثی، کسی را که امر به معروف و نهی از منکر نماید به عنوان جانشین خدا در زمین، جانشین رسول خدا (ص)، جانشین کتاب خدا، بر شمرده است: «مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِهِ خَلِيفَةُ كِتَابِهِ» (طبرسی، ۱۴۰۸: ۲/۸۰۷) و علی (ع) آن را دو صفت از اوصاف خداوند، دانسته است: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خُلُقَانِ مِنْ خُلُقِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ» (سیدرضی، خطبه ۱۵۶). آن حضرت در مقام بیان ارزش و منزلت نظام نظارتی امر به معروف و نهی از منکر حقیقتاً شگفت‌انگیز و بهت‌آور سخن می‌راند، به گونه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر را والاترین و بالاترین اعمال نیکو و جهادی معرفی می‌نماید که تمامی اعمال خیر و حتی جهاد در راه خدا در مقابل این



فریضه به منزله قطره‌ای ناچیز در دریای موج و پهناور است که هیچ عمل خیر دیگری به پای آن نمی‌رسد: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَةٌ فِي بَحْرِ لُجِّي» (سید رضی، حکمت ۳۷۴). این در حالی است که امر به معروف و نهی از منکر همواره به‌عنوان زیرشاخه و جزئی از جهاد در راه خدا معرفی می‌شود، همچنان که تمامی فقها و اهل تقوا در جریان دسته‌بندی و چینش ابواب فقهی کتب (رساله‌های) عملیه خویش، مبحث امر به معروف و نهی از منکر را عموماً در ذیل باب جهاد می‌گنجانند و چنین استدلال می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر، بانی از ابواب جهاد است که با زبان و قلب انجام می‌گیرد و جهاد و قتال اصلی، با دست و شمشیر و آلات جنگی در میدان مبارزه صورت می‌پذیرد. حال اگر چنین نگرشی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر، به‌عنوان کارآمدترین نظام موجود در نظارت عمومی وجود داشته باشد و جایگاه حساس و کلیدی آن به‌روشنی تبیین شود، دیگر هیچ‌گاه شاهد غریب و تنها ماندن این فریضه بزرگ اسلامی در میان جوامع اسلامی نخواهیم بود و امنیت عمومی آحاد جامعه به‌عنوان یکی از بارزترین مصادیق حقوق شهروندی به مخاطره نخواهد افتاد.

امام علی (ع) در حدیث دیگری، پایداری شریعت و نیز برپایی حدود الهی را در سایه انجام امر به معروف و نهی از منکر معرفی نموده است: «قَوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ إِقَامَةُ الْخُدُودِ» (آمدی، ۱۳۷۶: ۴۸۷؛ محمدی ری شهری، ۱۳۶۷: ۶/۲۵۵) و در بیانی دیگر آن حضرت، امر به معروف و نهی از منکر را اشرف فرایض برشمرده و فرموده است: «هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر اقامه شود، همه فرایض آسان و دشوار پابرجا خواهد شد» (حر عاملی، بی تا: ۴۰۲/۱۱).

از همین رو، اهمیت و مرتبت امر به معروف و نهی از منکر در مکتب اهل بیت (ع) آن‌چنان حیاتی، والا و اثربخش و راه‌گشاست که به جرئت می‌توان ادعا نمود که سرفصل حیات و مأموریت همه امامان معصوم شیعه (ع) در راستای احیاء ارزش‌های الهی و مبارزه با منکرات اخلاقی و ناهنجارهای اجتماعی و دینی بوده است، به گونه‌ای که حیات پرافتخار و شهادت حماسی و بیدارگر سیدالشهدا امام حسین (ع) را می‌توان به‌عنوان مصداق اتم و اسوه تمام‌عیار حیات طیبه در نظام اجتماعی بشریت در مسیر اعتلای کلمه حق و مبارزه با طاغوتیان عالم قلمداد نمود، همچنان که خود آن حضرت رسالت

شیره‌های علمی و اثر بخش پلوس در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در مواجعه با مردم

اساسی مهم خونین خویش را، اجرای امر به معروف و نهی از منکر معرفی نموده و همین امر باعث گردید که امام حسین (ع) در صفحه گیتی و در طول تاریخ قیام آزاد مردان، به عنوان شهید امر به معروف و نهی از منکر شناخته و بدو اقتدا شود:

«أَنْتَى لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي (ص) أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ...» (احمد حسین، ۱۴۱۸: ۳۲؛ شریف القرشی، ۱۳۹۹: ۲/۲۶۴).

۳- کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر

از جمله امتیازات دین مبین اسلام، تبیین دقیق فلسفه احکام الهی است که این امر به صورت روشن و گویا هم در قرآن و هم در احادیث اسلامی بروز یافته است که از رهگذر آشنایی با آن، هر محقق و غیر محقق می تواند حکمتی را باز یابد که این حکمت، بیانگر علت تشریع و وضع احکام و قوانین بوده است. در همین راستا، با بررسی دقیق آیات و روایات مأثوره، مهم ترین آثار و کارکردهای گوناگون ناشی از اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر را می توان در مورد ذیل، جستجو نمود.

۳-۱- کارکرد تربیتی و اخلاقی

بی شک یکی از کارکردهای مؤثر دستگانه نظارتی امر به معروف و نهی از منکر را می توان در جنبه های تربیتی و روانی اثر گذار بر خود آمرین به معروف و ناهیان از منکر در طول دوران اجرای این فریضه بزرگ برشمرد؛ زیرا این دسته از افراد جامعه که به عنوان ناظران و حافظان نیز به طور دقیق و کامل، از التزام عملی و عینی خاصی از انجام معروفات و اجتناب از منکرات در درون و رفتار خویش ایجاد کنند و از سوی دیگر، بیش تر و پیش تر از دیگران بر اعمال و گفتار خویش مواظبت و مراقبت نمایند تا از رهگذر آن، بتوانند بر دیگران نیز نظارت نموده و آنان را از منکرات بازدارند. لذا همین خود نظارتی، باعث نوعی سازندگی روحی و اثربخشی قهری در گروهی از مؤمنان می شود که در ضمن آیات پیشین به عنوان «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» و «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ» معرفی شده بودند؛ لذا امام علی (ع) به این اثربخشی قهری تربیتی و نقش سازنده ای که امر به معروف و نهی از منکر در خود مجموعه ستاد آمرین و ناهیان دارد،



اشاره نموده چنین می فرماید:

«وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَانْكِرِ الْمُنْكَرَ بِلِسَانِكَ وَ يَدِكَ» (سید رضی، نامه ۳۱).

علاوه بر کارکرد تربیتی، این فریضه از جنبه و کارکرد معنوی نیز برخوردار است؛ چرا که بر اساس روایات پیش گفته شده، انسانی که از روی اخلاص و تکلیف دینی به امر به معروف و نهی از منکر قیام می نماید، در حقیقت به مقام خلافت الهی و خلافت رسول خدا (ص) و نیز جانشینی قرآن در روی زمین نائل آمده و چنین احساس پاک و مسئولیت خطیری که از رهگذر اقامه این وظیفه شرعی نصیب آمر به معروف و ناهی از منکر می شود، ذاتاً در تزکیه نفس و تهذیب درون وی اثرات سازنده‌ای به همراه خواهد داشت و طبعاً موجبات ارتقاء معنوی و اجر اخروی وی خواهد گردید، به‌ویژه آن که بر اساس حدیث: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خُلُقَانِ مِنَ خُلُقِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ» (طبرسی، ۱۴۰۸: ۲/۸۰۷). آمر به معروف و ناهی از منکر، متخلق به اخلاق الهی است و او کسی است که خواهان آراستگی خویش و هموعان خود، به اخلاق و صفات کامله الهی است که در جهت محقق نمودن پیام و حیانی «و تَفَعَّلْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» گام برمی دارد و تمام توان خویش را در جهت جلب اعتماد عمومی و نهادینه سازی مشارکت آحاد مردم در امر و واپایش و نظارت همگانی به کار می بندد. این اثر معنوی، چنان است که امر به معروف در اجر و پاداش کارهای نیک که دیگران با ارشادات وی انجام می دهند شریک است و خداوند بدون کاستن از پاداش دیگران، پاداشی همانند آنان می بخشد، آن گونه که از رسول اکرم (ص) نقل شده است که آن حضرت فرمود:

«مَنْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهَى عَنِ مُنْكَرٍ أَوْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ أَوْ أَشَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ» (حرعاملی، بی تا: ۱۱/۳۹۸).

۳-۲- کارکرد سیاسی و امنیتی

یکی از مهم ترین کارکردها و آثار فوق العاده انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر، کارکرد سیاسی آن است که از یک سو باعث اتحاد و انسجام همه آحاد جامعه ایمانی در برابر دشمنان دین شده و موجبات تقویت و تثبیت بنیه اعتقادی و دفاعی مرزهای اسلامی را به همراه خواهد

شيوه‌های علمی و اثر بخش پلوس در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در مواجهه با مردم

داشت و از سوی دیگر، عامل زبونی و ذلت جبهه استکبار و به تبع آن، تضعیف و ناامیدی هر چه بیش تر آنان را فراهم خواهد آورد، در این باره امام علی (ع) چنین می فرماید:

«فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظُهُورَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَزْعَمَ أَنْوَافَ الْكَافِرِينَ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱).

روشن است که هرگاه نظام نظارتی و مراقبتی جامعه اسلامی در برابر ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌ها، فعال و پویا باشد و از هر گونه بی تفاوتی‌ها و سهل انگاری‌های رفتاری افراد در مقابل ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اخلاقی عکس‌العمل نشان دهد. چنین جامعه‌ای مصون از هر گونه تهدیدات و خطرات احتمالی دشمنان و مستکبرین خواهد بود و وحدت و یک‌دلی جامعه دینی مسلمانان را به ارمان خواهد آورد و از سوی دیگر، چشمان طمع‌کار و حيله‌های شیطانی آنان را جهت هر گونه حمله و حمله به مرزهای اسلامی، کور و نافر جام خواهد نمود که این امر به طور مستقیم نه تنها به تقویت جامعه اسلامی و تضعیف خط کفر و نفاق خواهد انجامید؛ بلکه امنیت و اقتدار همه جانبه امت اسلامی در برابر نقشه‌های شوم و دشمنان آنان را به همراه خواهد داشت.

بر این اساس، نظام نظارتی امر به معروف و نهی از منکر در این موقعیت می‌تواند از جنبه مصونیت و ایمنی بخشی درون یک جامعه پویا و تحول‌خواه برخوردار باشد و در عین حال، آن کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند در حقیقت در راستای قدرتمندی مؤمنان و اجتماعی ایمانی آنان قدم برمی‌دارد و جبهه کفر و نفاق را در توطئه‌های خیانت‌آمیزشان ناکام می‌گذارد.

همچنان که امام علی (ع) در سخنی، ضمن بیان مراحل امر به معروف و نهی از منکر، اعتلای کلمه «الله» و شکست ستمگران و مستکبران را از جمله آثار و برکات اقامه این فریضه منحصر به فرد اسلامی، قلمداد می‌نماید و چنین می‌فرماید:

«وَمَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَكَلِمَةُ الظَّالِمِينَ هِيَ السُّفْلَى فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَقَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَتَوَرَّى فِي قَلْبِهِ الْبَيْتِينَ» (سید رضی، حکمت ۳۷۳) بنابراین، انجام این واجب دینی در تمامی سطوح و مراحل آن، عزت و اقتدار اسلامی و نیز سربلندی مؤمنان در برابر مستکبرین و قدرت‌های شیطانی را به همراه خواهد داشت.

۳-۳- کارکردهای اقتصادی، مدیریتی و عمرانی

برخلاف پندار نادرست برخی از عامه مردم که امر به معروف و نهی از منکر را تنها منحصر و محصور در یک سلسله مسائل عبادی محدود می‌دانند و یا برخی دیگر که آن را، تنها یک واجب دینی با رویکرد اخلاق فردی می‌پندارند، باید اذعان نمود که اساس آموزه‌های جامعه اسلامی، نظام نظارتی امر به معروف و نهی از منکر، از یک جامعیت و انسجام کامل فردی و اجتماعی برخوردار است که میدان‌های گسترده‌ای از شئون مختلف زندگی آحاد جامعه اسلامی اعم از اخلاقی، اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی و امنیتی را دربر می‌گیرد و در یک یا چند حوزه خاص محدود نمی‌شود. از همین روی، اجرای دقیق و به هنگام این فریضه به طور مستقیم و با غیر مستقیم بر اقتصاد و معیشت و نیز درآمدها و حتی عمران و آبادانی جوامع انسانی (اسلامی) تأثیرگذار و غیر قابل انکار است.

امام باقر(ع) در همین باره، بیان جامعی از آثار و برکات این فریضه شرعی ارائه می‌نماید و چنین می‌فرماید: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ بِهَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَدَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ...» (حر عاملی، بی تا: ۱۱/۳۹۴). بنا بر فرموده امام باقر(ع)، امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ای است که نسبت به سایر فرائض دینی، از نقش محوری و کلیدی برخوردار است و همه آن فرائض در سایه این فریضه، عملیاتی خواهند شد. علاوه بر آن، در سایه انجام این واجب دینی، جامعه از چنان تحرک و پویایی برخوردار خواهد شد که در آن، راه‌ها امن، تجارت و درآمدها حلال، مظالم به صاحبان اصلی خویش برگردانده شده، زمین‌ها آباد و سرسبز و حق از دشمنان ستانده شده و امور مملکت سامان پیدا می‌کند. لذا از دریچه اقتصادی هیچ فرد عاقلی نیست که بر لزوم سالم سازی محیط کسب و کار و بازار فعالیت‌های اقتصادی، اعتقاد و تأکید نداشته باشد.

پس با اقامه امر به معروف و نهی از منکر، راه‌های صحیح کسب درآمد و تجارت و پیشرفت صنعت، هموار گشته و هر کسی درخور توانمندی و فعالیت خویش به امرار معاش می‌پردازد و از طرف دیگر، معضلات اقتصادی همچون: بیکاری، گران‌فروشی، احتکار و سایر انحرافات اقتصادی،

ریشه کن می‌شود. علاوه بر کارکردهای اقتصادی و عمرانی فریضه امر به معروف و نهی از منکر، کارکرد مدیریتی آن نیز در حوزه توجه می‌باشد. در همین راستا، امام علی (ع) ضمن تبیین فلسفه تشریح ایمان، نماز، زکات، روزه، حج و دیگر احکام الهی به فلسفه جهاد و امر به معروف و نهی از منکر اشاره نموده و طی آن، جهاد را مایه عزت و اقتدار اسلام و امر به معروف را برای اصلاح توده‌های ناآگاه مردم و نهی از منکر را برای بازداشتن بی‌خردان از زشتی‌ها معرفی می‌نماید:

«فَرَضَ اللَّهُ... الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلْسُّفَهَاءِ...» (حکمت ۲۵۲).

بنابراین، رعایت مصلحت عمومی جامعه و طرد و دفع نااهلان و ناشایستگان از تصدی مسئولیت‌های کلان و کلیدی جامعه اسلامی رامی‌توان در زمره کارکردهای مدیریتی این فریضه بزرگ اسلامی قلمداد نمود.

۴- پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر

هر یک از احکام و فرایض دینی در موقعیت و جایگاه خویش از اهمیت و امتیاز خاصی برخوردار است که مبتنی بر نوعی حکمت و مصلحت و متناسب با حیات فردی و اجتماعی آحاد جوامع اسلامی تشریح شده است. از همین رو، هر گونه سهل‌انگاری و یا افراط و تفریط در انجام و اقامه آن فریضه، می‌تواند نتایج و پیامدهای جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. لذا فریضه امر به معروف و نهی از منکر که در آموزه‌های اسلامی از آن به‌عنوان «اشرف فرائض» یاد شده و برای آن کارکردهای ممتازی شمرده شده است، در صورتی که مشمول بی‌اعتنایی و ترک فعل از سوی مسلمانان قرار گیرد، عواقب و پیامدهای آسیب‌زایی را برای امت اسلامی به همراه خواهد داشت. از این رو با تأکید و استناد به احادیث امامان شیعه (ع) مهم‌ترین عواقب و پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان در موارد ذیل، جستجو نمود:

۴-۱- پیامدهای معنوی و اخروی

می‌توان مهم‌ترین پیامدهای ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جوامع اسلامی را پیامدهای معنوی و اخروی آن برشمرد. عواقبی همچون: دوری از رحمت خداوند، خروج از دایره اسلام و ایمان و

نیز نزول لعن و عذاب الهی را، می توان از شاخص ترین نتایج ترک و یا فراموشی این واجب الهی برشمرد.

از ابن عباس نقل شده که رسول خدا (ص) فرمود:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَيُقَوِّرْ كَبِيرَنَا وَلَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ» (ترمذی، بی تا: ۳۲۲/۴؛ طبرانی،

۱۴۰۲: ۷۲/۱۱؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۱: ۱۷۸/۲)

و نیز فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ قَلِيلَ لَهُ وَ مَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ قَالَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ» (کلینی، ۱۳۸۸ق: ۵/۵۹).

در حدیث دیگری، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) کسانی را که به این فریضه الهی اهتمام نمی ورزند مورد نکوهش قرار داده، چنین می فرمایند:

«وَيْلٌ لِقَوْمٍ لَا يَدِينُونَ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ» (کلینی، همانجا؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۱: ۱۷۶/۶).

همچنین ابن مسعود به نقل از پیامبر اکرم (ص)، از لعن و نفرین شدن کسانی سخن به میان می آورد که امر به معروف و نهی از منکر نکردند و با ظلم ظالم به مقابله برنخاستند: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَلَتَأْخُذَنَّ عَلَيَّ يَدِ الظَّالِمِ وَلَتَأْطُرَنَّهُ عَلَيَّ الْحَقُّ أَطْرًا أَوْ لَيَضْرِبَنَّ اللَّهُ بِقُلُوبِ بَعْضِكُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَيَعْنُكُمْ كَمَا لَعَنَهُمْ» (طبرانی، ۱۴۰۲: ۱۰/۱۴۶).

در اندیشه بلند علوی نیز ترک نظارت همگانی نه تنها امنیت اجتماعی و فرهنگی و سیاسی را به مخاطره می اندازد؛ بلکه مهم تر از همه، امنیت معنوی و روحانی آحاد جامعه اسلامی با خطر جدی مواجه می شود. از این رو آن حضرت، در ضمن خطابه خویش در مقابل کوفیان و نکوهش سقوط اخلاقی آنان چنین می فرمایند: «زیرا که خدای سبحان، مردمان روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت مگر به خاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر؛ پس خداوند سفیهان و بی خردان را به خاطر نافرمانی و ارتکاب منکرات و حکیمان و خردمندان را به خاطر بازداشتن دیگران از گناه، لعن و نفرین نمود.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

۴-۲- سلطه و حاکمیت ناهلان و نامحرمان

فرهنگ نظارت همگانی از چنان کارایی و کارآمدی فوق العاده ای برخوردار است که رها کردن آن، علاوه بر آن که امنیت معنوی و روحانی جوامع اسلامی را تهدید می کند، روش مدیریت و اداره جامعه اسلامی را به شدت با چالش های جدی مواجه می سازد که جبران آن به سختی امکان پذیر خواهد بود. از

این رو به موازات آن که، فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر ضامن امنیت ملی و اقتدار اسلامی است. ترک آن نیز باعث به وجود آمدن هرج و مرج در نظام اداره حکومت خواهد شد به گونه‌ای که در اثر این نوع اهمال، زمینه‌های حکومت و سیطره‌نااهلان و نامحرمان در مصدر حکومت و تصمیم‌گیری کلان کشور به وجود خواهد آمد و زمینه انحطاط مملکت مهیا خواهد شد.

از این رو در روایتی از پیامبر اکرم (ص) به این آسیب عظیم، به صراحت اشاره شده است: «وَإِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ يَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَشْرَارَهُمْ فَيَدْعُو عِنْدَ ذَلِكَ خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۰: ۵۱). لذا در چنین شرایطی که ظلم و فساد همه‌جا را فراگرفته، عرصه بر همگان تنگ و دشوار خواهد شد و مردم هر چه خدا را بخوانند و از او نجات و رهایی طلب کنند اجابتی نخواهد شد؛ زیرا که آنان نعمت آزادی، اقتدار و حکومت اسلامی را با عنصر بی تفاوتی و کفران به نعمت و عذاب تبدیل کردند، لذا اشرار و بدان جامعه، افسار حکومت و سرنوشت مردم را به دست گرفته و آنان را در وادی فساد و شرارت سوق خواهند داد. در همین باره امام علی (ع) می‌فرماید:

«لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَوَلِّي عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ» (سید رضی، نامه ۴۷).

آفات و آسیب‌های طاقت فرسای فراموشی و غفلت از اقامه نظارت عمومی و مشارکت همگانی نسبت به سرنوشت آحاد امت اسلامی در راستای احیاء ارزش‌های اخلاقی و انسانی آن‌چنان تکان دهنده و هشدارآمیز است که تعمق و تدبیر در آن‌ها، می‌تواند تا حدودی در بیداری ذهن‌ها و چشم‌های غافل مؤثر واقع شود. از این رو، در روایت نبوی (ص) از جمله عواقب خطرناک ترک این فریضه قرآنی، سلب برکات الهی از آنان و سیطره‌ناشایستگان بر مقدرات مسلمین بیان شده است به گونه‌ای که پس از آن، نه از زمین و نه از آسمان کسی به فریادرسی و نصرت آنان نخواهد شتافت: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ وَ سَلَطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ» (مفید، ۱۴۱۰: ۱۲۹؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۱۰: ۶/۱۸۱). آن حضرت در بیانی دیگر از عدم استجابت نیایش‌های بندگان به درگاه الهی به‌عنوان یکی



از عقوبت‌های وخیم ترک امر به معروف و نهی از منکر یاد کرده و چنین می‌فرمایند:
 «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُوشِكَنَّ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عِقَابًا مِنْهُ ثُمَّ تَدْعُوهُ
 فَلَا يَسْتَجِيبُ لَكُمْ» (ترمذی، بی تا: ۴/۴۶۸)

۳-۴. سقوط و انحطاط فرهنگی، اجتماعی

نااهلان و نامحرمانی که به واسطه رهاشدن فرهنگ اثربخش نظارت عمومی بر مسند قدرت و حکومت تکیه زده‌اند، به لحاظ فقدان صلاحیت، تعهد و تخصص در حوزه هدایت جامعه اسلامی، موجبات برهم زدن نظم و آرامش و نیز ثبات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ملی را فراهم آورده و به تدریج جامعه را به سوی انحطاط و انحراف اخلاقی و تربیتی سوق می‌دهند. این عامل همان است که علی (ع) آن را به وسیله تعطیل ماندن امر به معروف و نهی از منکر و نیز از بین رفتن روحیه تغییر و تحول گرایی، باعث ظهور و بروز فساد و تباهی و ظلم از سوی دیگر، چگونگی نبود روحیه نظارت و بازرسی از یک سو و وجود فساد و تباهی و ظلم از سوی دیگر، سقوط تدریجی و انحطاط اجتماعی امت‌ها را به دنبال خواهد داشت: «فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ظَهَرَ الْفَسَادُ فَلَا مُنْكَرٌ مُغَيِّرٌ وَلَا زَاجِرٌ مُزْدَجِرٌ» (سید رضی، خطبه ۱۲۹) در همین راستا از امام باقر (ع) روایت شده که بدترین مردم آناند که امر به معروف و نهی از منکر را برای خود عیب و عار می‌دانند: «بِئْسَ الْقَوْمُ قَوْمٌ يَعْبُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

(کلینی، ۱۳۸۸: ۵/۵۷؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۱: ۶/۱۷۶).

پیداست که در جامعه‌ای که نصیحت و ارشاد و خیرخواهی و بازداشتن دیگران از منکرات و ناهنجاری‌ها رواج نداشته باشد و مردم آن نسبت به سرنوشت هم دیگر، دغدغه و نگرانی نداشته باشند و بانوعی بی تفاوتی و بی‌انگیزگی از همدیگر عبور کنند، همگان در شناخت و تمییز ارزش‌ها و هنجارهای درست اخلاقی و بازشناسی آن‌ها از شبهات و منکرات و بزهکاری‌ها به نوعی دچار تردید و تشکیک شده و در آن حال از آراء و شهوات خویش‌تن تبعیت نموده و در نتیجه ارزش‌های والای الهی و اسلامی به فراموشی سپرده شده و چه بسا در نگاه و نگرش و نیز فرهنگ و باور مردم، نوعی جابجایی معروف‌ها و منکرات با یکدیگر صورت پذیرد.

شیوه‌های علمی و اثر بخش پس در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در مواجعه با مردم

از امام صادق (ع) نقل شده که رسول خدا (ص) فرمود: «چه بر سرتان خواهد آمد آن گاه که زنانتان فاسد و جوانانتان فاسق شوند و امر به معروف و نهی از منکر نکنید. گفتند: چگونه یا رسول الله! فرمود: بله و بدتر از آن، چنان اتفاق خواهد افتاد که امر به منکر و نهی از معروف کنید. دوباره پرسیدند: چگونه خواهد شد یا رسول الله! فرمود: بله و بدتر از آن زمانی است که معروف را منکر و منکر را معروف ببینید.» (حر عاملی، بی تا: ۱۲۲/۶).

بر اساس فرمایش رسول خدا (ص)، اوج انحطاط اخلاقی و سقوط ارزش های دینی در جامعه اجتماعی وقتی خواهد بود که در اثر غفلت و رویگردانی از امر به معروف و نهی از منکر ارزش های الهی و ارزش های شیطانی با یکدیگر جابه جا شوند و وخیم تر از آن، هنگامی است که مردم هم دیگر را به منکرات سفارش و از معروف ها باز دارند و در جهت خلاف نگرش و حیانی عمل کنند، آن جا که می فرمایند: «و تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ» (عصر/۳). از این رو چنانچه کسی در این بخش از اخبار غیبی پیامبر اکرم (ص) نسبت به آینده ارزش های اخلاقی و انسانی در جوامع اسلامی تردید نماید، باید پاسخ داد که این خبر نه تنها قابل تشکیک و استبعاد نمی باشد؛ بلکه این واقعه تلخ اندک زمانی در کمتر از ربع قرن از رحلت آن اسوه حسنه و الگوی تمام عیار ارزش های الهی در صدر جامعه اسلامی به وقوع پیوست و چنان آتشی بر روح و جسم و جان امام علی (ع) شعله افکند که آن حضرت در کمال بهت و شگفتی وضعیت چنین جامعه ای را بدین گونه گزارش و توصیف می نماید:

«در شگفتم و چرا در شگفت نباشم؟ از خطاهای این دسته از فرقه هایی که هر یک دلایل مختلفی در مذهب خود دارند! نه بر جای گام پیامبر گام می نهند و نه از رفتار جانشین او پیروی می کنند. نه به غیب ایمان می آورند و نه خود را از عیب برکنار می دارند، به شبهات عمل می کنند و در گرداب شهوات غوطه وورند، معروف در نظرشان همان است که می پندارند و منکر همان است که آنان منکرند. در حل مشکلات به خود پناه می برند و در مبهمات تنها به رأی خود تکیه می کنند، گویا هر کدام امام و راهبر خویش می باشند که به دستگیره های مطمئن و اسباب محکمی که خود باور دارند چنگ می زنند.» (سید رضی، خطبه ۸۸).

۴-۴. نفی هویت انسانی و حیات حقیقی

تسلط و سیطره ناهلان در اداره حکومت و کشورداری و همچنین سقوط اخلاقی و انحطاط فرهنگی - اجتماعی ناشی از آن، تخریب هویت انسانی و حیات طیبه حقیقی بشری را به همراه خواهد داشت که این امر به بالاترین نوع شکست در زندگی و مرگ واقعی انسان‌ها منجر خواهد شد؛ چرا که، کسی که امر به معروف و نهی از منکر را به طور کلی ترک می‌کند، به تدریج بی تفاوتی و بی‌خیالی محض در فکر و روح و عمل و رفتار وی نسبت به سرنوشت آحاد جامعه حاکم و عارض می‌شود و طبیعتاً چنین فردی با چنین رویکردی از حیات طیبه و سعادت‌مندان و مبتنی بر ارزش‌های الهی، محروم می‌ماند.

از همین روی، مولای متقیان علی (ع) چنین فردی را بسان مرده‌ای در میان زندگان قلمداد می‌نماید که صرفاً دارای حیات جسمانی و فیزیکی است: «... مَنْ تَرَكَ إِنكَارَ الْمُنْكَرِ بَقْلِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ» (سید رضی، حکمت ۳۷۴) همچنان که خداوند کریم در آیات وحی آن‌جا که از صالحین سخن به میان می‌آورد، از بهره‌مند کامل آنان از حیات طیبه یاد می‌کند که از سوی پروردگار به آنان ارزانی خواهد شد: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل/۹۷). پیداست کسانی که اشرف فرائض الهی را رها سازند مصداق اتم مرده متحرک با قلبی واژگون در میان جامعه بشری خواهند بود که همه چیز را با هم خلط و جابجا می‌کند و حقیقتاً هویت و حیات منطقی خود را از کف داده است؛ لذا آن حضرت در تعبیر دیگری در این باره چنین می‌فرماید: «اولین مرحله از جهاد که در آن باز می‌مانید جهاد با دستانتان؛ سپس جهاد با زبان؛ و آن‌گاه جهاد با قلب‌هایتان می‌باشد؛ پس کسی که با قلب معروفی را ستایش نکند و منکری را انکار ننماید قلبش واژگون گشته، بالای آن پایین و پایین قلب او بالا قرار خواهد گرفت.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۵). از این رو مطابق با بیان آن حضرت، شکست در میدان امر به معروف و نهی از منکر که بالاترین نوع جهاد است و همه اقسام آن را شامل می‌شود، مساوی است با از دست دادن هویت و حیات انسانی آن جامعه که در آن صورت چنین جامعه‌ای به معنای واقعی کلمه، نشاط و پویایی و پیشرفت خود را از دست داده است.

۵- ناجا و کارکردهای انتظامی و امنیتی آن

با توجه به ارتباط تنگاتنگ و کلان فریضه امر به معروف و نهی از منکر با مقوله امنیت و اقتدار نظام اسلامی و نیز شناخت دقیق عواقب و پیامدهای ترک این فریضه بزرگ الهی در پیدایش تهدیدهای جدی اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی در درون و بیرون حکومت اسلامی، نمی‌توان از نقش‌ها و راهبردهای مؤثر ناجا به‌عنوان مظهر اقتدار و امنیت حاکمیت دینی در دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرا و یا کمک رسانی به اجرای این فریضه غفلت کرد؛ چرا که نیروی انتظامی در مقام بخشی مهم از دستگاه امنیتی کشور و طبقه خطیر تأمین امنیت داخلی را بر عهده دارد، این نیرو از جمله ارگان‌های خدمات رسانی به آحاد جامعه جهت تأمین امنیت، تلقی می‌گردد. امنیت به‌عنوان یکی از شاخصه‌های مهم توسعه، مستلزم همکاری همه نهادها و سازمان‌های اجتماعی و نیز شهروندان یک جامعه است؛ بنابراین تعامل میان نیروی انتظامی به‌عنوان بخش مهمی از ساختار حکومتی که وظیفه ایجاد آرامش و امنیت داخلی را بر عهده دارد با مردم از اهمیت خاصی برخوردار است. بررسی رابطه متقابل این سازمان با مردم از آن جهت حائز اهمیت است که اگر ارتباط موجود بین سازمان‌های خصوصی و مردم بیش‌تر بر پایه پیشبرد اهداف اقتصادی است، ارتباط بین مردم و نیروی انتظامی، عاری از روابط بده بستان اقتصادی است؛ زیرا این نهاد ملزم به دفاع از حقوق اجتماعی و امنیتی آحاد ملت است (بنی اسدی و حسینیان، ۱۳۸۶: ۱۴).

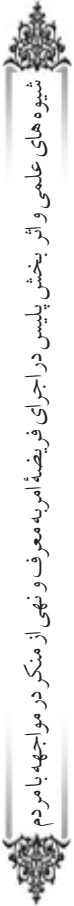
از این‌رو نگاهی به مسئولیت‌های ذاتی و قانونی پلیس نشان می‌دهد که مهم‌ترین کار ویژه پلیس در هر اجتماعی، برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی است. این کارکرد در همه فرهنگ‌ها و سازمان‌های سیاسی یکسان و یکنواخت نبوده و در برخی از کشورها و نظام‌های حکومتی به گونه‌ای دیگر به ایفای نقش پرداخته است. در بسیاری از دولت‌های دنیا، کارکرد اقتدار گرایانه صرف پلیس که در آن به‌طور سنتی بر استفاده از ابزارهای سنتی سرکوب به‌عنوان یگانه وسیله نظم و امنیت تأکید می‌شود برای آحاد مردم نقشی قائل نشده، نه تنها آن‌ها را شهروند تلقی نمی‌کند؛ بلکه آنان را تابعی محض می‌داند که باید تحت الشعاع اراده طبقه سیاسی حاکم باشد. پلیس در این فرایند، حافظ طبقه سیاسی حاکم خواهد بود که نظم عمومی مورد ادعا به واقع نظم سیاسی معطوف به دیدگاه‌های سیاسی و منافع محدود طبقه



مقتدر حاکم است که در واقع این رهیافت از مردم فاصله می‌گیرد و جدای از آن‌ها لحاظ می‌شود، در این نگرش کارکردهای قهری و وظایف حکومت، به منظور برقراری نظم و امنیت به نهادی موسوم به پلیس هویت می‌بخشد (شریفی، ۱۳۸۶: ۱۹۳) که مطالعه تطبیقی نظام‌های امنیتی و پلیسی در برخی از کشورهای آمریکایی و اروپایی، چنین نگرشی از مأموریت‌های پلیس را به دست می‌دهد. پرواضح است که این روند تاریخی هم پرفراز و نشیب و هم آمیخته با موانع ذهنی و عینی بوده است؛ چرا که از یک سو سیاست عملی فقط به واپایش امور یا نظم و نسق بخشیدن جامعه محصور نمی‌شود؛ بلکه تحت تأثیر فرایندهای اجتماعی دیگر دستخوش در نور دیدن این مرزها و تغییر و بازسازی می‌شود و از سوی دیگر امنیت در کلیت مفهومی خود، مستلزم ساختارهای متناسبی است که لاجرم در یک فرایند تاریخی به نهاد حکومتی برخوردار از حاکمیت یا مؤلفه‌های جدید رهنمون می‌شود. به تعبیر دیگر تحولات و دگرگونی‌های ساختاری به زمامداری دولت‌مردان جهت گیری‌های خاص داده و به موازات و تناسب تحولات هنجاری در اجتماع، چگونگی اعمال حاکمیت را دچار دگرگونی بنیادین کرده است. (شریفی، ۱۳۸۶: ۱۸۸)

برخی بر این باورند که امنیت از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که ارائه تعریف واحدی از آن به سادگی میسر نیست؛ زیرا که امنیت پیش از آن که مقوله‌ای قابل تعریف باشد، پدیده‌ای ادراکی و احساسی است و حتی برخی از دیگر کارشناسان، احساس امنیت را مهم‌تر از وجود امنیت می‌دانند. بر همین اساس عده‌ای امنیت را در سه محور: نبود تهدید نظامی، محافظت از کشور در برابر حمله نظامی و توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی می‌دانند و عده‌ای دیگر آن را در چهار محور: امنیت شخصی، امنیت عمومی، امنیت اجتماعی و امنیت ملی، تقسیم بندی نموده‌اند (باصری، ۱۳۸۶: ۲۶-۲۵).

امنیت در مفهوم جدید نه تنها به مثابه حق شهروندان؛ بلکه برای دولت نیز مسئولیت به همراه دارد. بنابراین در جوامعی که شهروندان در تعاملات و مناسبات نقش ایفا می‌کنند و مسئولیت‌هایی را در قبال شهروندان عهده‌دار می‌گردند ضرورتاً به حاکمیت و امنیت پویا توجه خواهد داشت، بر این مبنا پلیس به عنوان متولی امنیت در جامعه که حافظ نظم و امنیت عمومی در جامعه تلقی می‌گردد، در رویکرد جدید شهروند محور، نیز مسئولیت‌ها و البته اختیارات تعریف شده‌ای را عهده‌دار است که از آن‌ها در قالب کلی «پلیس شهروند محور» سخن گفته می‌شود.



پلیس شهروند محور، به گونه‌ای تعریف می‌شود که برای تأمین و تضمین نظم عمومی و امنیت اجتماعی از خود شهروندان بهره می‌برد. از این منظر، پلیس به‌عنوان یکی از ارکان حوزه عمومی، به عرصه روابط اجتماعی وارد شده و با شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی وارد تعامل می‌گردد. در این ارتباط پلیس به‌عنوان مسئول آسایش و امنیت عمومی بر آن است که با انجام اقدامات و فعالیت‌های متعدد در حوزه امنیت فردی و عمومی، احساس برقراری امنیت را در جامعه فراگیر نماید. تقویت احساس امنیت در جامعه به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه پایدار، بستر ساز ارائه خدمات پلیس به عموم شهروندان به منظور جلب رضایت آنان و نیز تعمیق روابط متقابل مردم و پلیس تلقی می‌گردد (شریفی، ۱۳۸۶: ۱۸۹).

بنابه گفته برخی از کارشناسان فعالیت‌های امور پلیسی در ایران در طول فعالیت خود سه دوره را با سه نمونه حاکم بر آن دوره تجربه کرده است: دوره سیاسی، دوره اصلاحات و دوره مشارکت پلیس و جامعه.

* دوره اول (سیاسی): پلیس در این دوره که شاخصه حاکم بر آن اقتدار گرایی است، قوه سرکوب و قاهره‌ای است که صرفاً عامل حفظ نظم و حافظ منافع طبقه حاکمه است. تقارن زمانی این دوره، مصادف است با نخستین سال‌های شکل‌گیری پلیس در جوامع.

* دوره دوم (اصلاحات): در این دوره پلیس تحت تأثیر رشد جنبش‌های اجتماع به اصلاح سازمان خود می‌پردازد و مهم‌ترین امر در این بازسازی تصویری از پلیس، زدودن چهره‌ی سیاسی پلیس است. در این دوره پلیس به یک سازمان تخصصی تبدیل می‌شود که هدف اصلی آن مبارزه با جرم و مجرمین است و با شیوه‌های پلیسی به تعقیب و سرکوب بزهکاران و کسانی می‌پردازد که امنیت عمومی را به خطر می‌اندازند؛ شاخصه حاکم بر این دوره، حرفه‌ای بودن پلیس است.

* دوره سوم (مشارکت): ویژگی این دوره در این است که، پلیس علاوه بر برخورداری از حمایت سیاسی و قانونی، در پی صمیمیت با مردم است و امنیت را با مشارکت جامعه تأمین می‌نماید. شاخصه حاکم بر این دوره، داشتن نگاه اجتماعی به معضلات اجتماعی است. امروزه بارویکرد نوینی که مدیریت پلیس بدان گرایش پیدا کرده است، رضایت‌مندی شهروندان از یک سو و اعتماد عمومی

و اطمینان خاطر آنان به پلیس از سوی دیگر، در قالب الگوی نظری، تحقق و تجلی پیدا کرده است که مصداق عینی آن می‌تواند نمونه و الگوی پلیس مطلوب را فراهم نماید (ترابی، ۱۳۸۵: ۲۰).

۶- نقش ناجا در فریضه امر به معروف و نهی از منکر

متأسفانه هرگاه از نقش آفرینی ناجا در خصوص فریضه امر به معروف و نهی از منکر سخنی به میان آمده، کنش‌ها و واکنش‌های مختلفی را در میان جامعه اسلامی ایران به همراه داشته است به طوری که این بازتاب و بازخورد در میان بدنه اجتماع یکسان و یکنواخت نبوده است. عده‌ای در برابر این موضوع به شدت موضع‌گیری نموده و به مخالفت جدی با چنین طرح و برنامه‌ای پرداخته‌اند، به گونه‌ای که چنین وظیفه‌ای را خارج از مأموریت‌ها و رسالت‌های اصلی و ذاتی پلیس ناجا و در عین حال متداخل با شرح وظایف و مأموریت‌های سایر دستگاه‌های ذیربط که برای این امر تعبیه شده‌اند دانسته‌اند و حتی برخی از طرفداران این دیدگاه آن را مغایر با امنیت اجتماعی و روانی مردم و محدود کننده حقوق شهروندی آنان تلقی می‌کنند.

از سوی دیگر، گروهی از طرح و شناسایی چنین مأموریت و راهبردی برای ناجا استقبال نموده و به دفاع از این مقوله پرداخته‌اند، این عده که نقش آفرینی ناجا در میدان نظام نظارتی امر به معروف و نهی از منکر را نه تنها محل احساس امنیت روانی و اجتماعی و یا مغایر با حقوق شهروندی خود نمی‌پندارند؛ بلکه آن را در راستای تأمین نظم عمومی و تضمین ارزش‌های اخلاقی و برچیدن بساط فساد و منکرات از سطوح مختلف جامعه می‌دانند. این در حالی است که مخالفان این دیدگاه به کلی گویی در این زمینه بسنده کرده، کمتر با نگاهی کارشناسانه و تخصصی به تبیین هر چه بیش‌تر ابعاد و زوایای گوناگون این مسئله پرداخته تا مخاطبان خود را از آسیب‌ها و پیامدهای احتمالی مدیریت مستقیم امر به معروف و نهی از منکر از سوی ناجا مطلع نمایند. پرواضح است که در این مناقشه دو اشکال اساسی به چشم می‌خورد:

نخست: آن که در هر دو جبهه با نوعی ابهام و شبهه مفهومی و مصداقی مواجهیم به گونه‌ای که موافقان این طرح به طور دقیق و شفاف تعیین نکرده‌اند که نیروی انتظامی قصد دارد کدام بخش از این واجب دینی را و با چه سطحی، عملیاتی کند و علاوه بر آن، چگونه و با چه ابزارها و سازوکارهایی

می‌تواند در حوزه فریضه امر به معروف و نهی از منکر نقش آفرینی کند و در طرف مقابل نیز، مخالفان این دیدگاه اظهار نکرده‌اند که کدام بُعد از ابعاد امر به معروف و نهی از منکر و یا کدام مرحله از مراحل اجرای این فریضه در توان و تخصص ناجا نمی‌باشد که در صورت اقدام، عواقب جبران ناپذیری را با خود به همراه خواهد داشت و امنیت عمومی و حقوق شهروندی مردم را به مخاطره خواهد افکند؟

از این رو، تا این اجمال و ابهام مفهومی و مصداقی از سوی طرفین دعوا مطرح و پاسخ‌های منطقی و مقتضی آنان دریافت و از سوی نخبگان و متخصصان ذیربط مورد نقادی و ارزیابی قرار نگیرد، ادعایی ناقص و نارسا و مآلاً بی‌فایده خواهد بود که ثمره‌ای جز فرسایش ذهن و جسم هر یک از طرفداران دو نظریه و نیز تحمیل هزینه‌ها و فشارهای روحی و روانی برای مردم و احیاناً تهیه و تدارک خوراک تبلیغاتی برای برخی از رسانه‌های ذینفع در این گونه مناقشات بی‌ثمر نخواهد داشت. دوم: آن که اصرار و پافشاری گروهی از مخالفین طرح نقش آفرینی ناجا در عرصه امر به معروف و نهی از منکر، نه تنها مشکلی را در این زمینه خاص برطرف نکرده است، بلکه باعث آن شده تا از یک سو در حق این دو عنصر زنده و با نشاط؛ یعنی هم فریضه امر به معروف و نهی از منکر و هم نیروی خدوم ناجا، نوعی اجحاف و بی‌مهری روا داشته شده و مظلومیت و محرومیت این فریضه شریفه الهی و آن سازمان ارزشی و پویا که هر دو البته به طور مستقیم و غیرمستقیم مظهر اقتدار دینی و ملی این نظام اسلامی مردم سالار می‌باشند، بیش از پیش تشدید و تقویت شود و سرانجام به حاشیه کشانده شده، بایگانی شود و از سوی دیگر، به طور خواسته و یا ناخواسته از یک طرف دستگاه نظارتی امر به معروف و نهی از منکر به نوعی مشمول تحجّر و سطحی‌نگری از سوی واپس‌گرایان و کج‌اندیشان قرار گرفته است.

از طرف دیگر، رسالت خطیر و انقلابی - اسلامی نیروی خدمتگزار و اقتدارآفرین ناجا نیز به نوعی مشمول روشنفکری مفرط و یا خطای ساختاری و محاسباتی برخی از افراد و یا گروه‌ها شده است؛ چرا که عموماً متحجّرین نه تنها اندک بینش و شناختی از ظرفیت‌های گسترده و لایه‌های متکثر فریضه امر به معروف و نهی از منکر در نگاه و نگرش اسلامی آن ندارند، بلکه



همواره به سطوح ظاهری و لایه‌های ابتدایی این فریضه توجه و تمرکز نموده و از سایر توانایی‌ها و کارکردهای گوناگون امر به معروف و نهی از منکر از قبیل: کارکردهای تربیتی، سیاسی و امنیتی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و عمرانی و موقعیت اقتدار گرایانه‌ی آن غافل مانده‌اند و با همین نگرش ناچیز و نارسای خود، موجبات تعطیلی و یا کندی حرکت و پویایی این فریضه انسان‌ساز و تمدن‌آفرین را فراهم آورده‌اند.

دشوارتر آنکه، با همین نگاه جزئی‌نگر خویش، هرگاه سخنی از فساد و منکرات در جامعه به میان آمده و بالطبع از لزوم و جدیت همگان در احیاء و اجرای امر به معروف و نهی از منکر سخن رانده شده، اینها تنها به ساده‌ترین و جزئی‌ترین منکرات و یا جلوه‌ی منکرات نظیر: آرایش سر و صورت و یا لباس عده‌ای از زنان و مردان در بخش‌هایی از کشور روی آورده و آن‌چنان بر برجسته کردن و تعمیم آن تمرکز می‌کنند که از پرداخت و چاره‌اندیشی نسبت به دفع و نهی از اعظم منکرات و معاصی در سطوح بالا و کلان آن بازمی‌مانند که به نوعی رهاوردی جز فشار روانی، التهاب‌آفرینی و بزرگ‌نمایی مفرط را برای کشور به همراه نخواهد داشت.

در مقابل این جریان، گروه دیگری هم وجود دارد که با نگرش‌ها و انگاره‌های خود به‌سان گروه یادشده به نوعی موجبات تعطیلی و یا کم‌رنگ شدن اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه را فراهم آورده‌اند. این عده گرچه برخلاف جریان جزئی‌نگر پیشین، تا حدودی از موضع نگاه کلان و تجربی به مقوله امر به معروف و نهی از منکر نگرسته و نقش‌آفرینی ناجا در اجرای این فریضه را در تزاخم و تضاد با مأموریت‌های ذاتی و قانونی این نهاد می‌دانند؛ ولی روشن است که این جریان در تحلیل‌ها و باورهای خویش از رسالت‌های ناجا، دچار نوعی خطای راهبردی و محاسباتی ناشی از مقایسه نادرست پلیس ایران با پلیس سایر کشورهای دنیا به‌ویژه کشورهای آمریکایی و اروپایی شده‌اند؛ زیرا که هم‌خود کشورهای یادشده و هم نظام پلیسی آن از جهات گوناگونی از قبیل: نوع حکومت و مبانی آن، نظام ارزش‌ها، قوانین مردم‌سالاری، جنس مجرمین، شدت جرم و جنایات، نوع قوانین حقوقی و مدنی و... با کشور جمهوری اسلامی ایران و قوانین حاکم بر نظام پلیس آن متفاوت و متغایر است. زیرا:

شیوه‌های علمی و اثر بخش پلیس در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در مواجعه با مردم

اولاً: در جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی، تمامی قوای نظامی و انتظامی کشور به همراه سه قوه دیگر تحت نظارت و مدیریت جدی و قاطع رهبری دینی و فقیه جامع‌الشرایط قرار گرفته و کلیه قوانین و اقدامات نظام پلیس کشور مستخرج و مستنبط از متون مقدس دینی اسلام است و توسط ایشان زعامت و رصد می‌شود.

ثانیاً: همان‌گونه که مشخص است اساساً جنس و ماهیت پلیس و نیز فلسفه و کارکردهای انتظامی و امنیتی پلیس در جمهوری اسلامی ایران با آنچه که در قانون و قاموس بسیاری از ملل و کشورهای دنیا وجود دارد، بسیار متفاوت است و هیچ‌گاه خشونت‌ها و نسل‌کشی‌های مبتنی بر اصل تبعیض نژادی و برخی دیگر از جرایم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری که پلیس غرب علیه شهروندان خود با شدت و حدت هرچه تمام‌تر انجام می‌دهد، در مجموعه پلیس اقتدارگرا، امنیت‌مدار و مردمی ایران اسلامی وجود ندارد. در عین این که پلیس جمهوری اسلامی از ادوات و ملزومات خاص اداری و شغلی خود همانند اسلحه، دستبند، بازداشتگاه و سایر تجهیزات انتظامی بجا و به‌هنگام نیز استفاده می‌نماید.

این در حالی است که پلیس ایران و نیروی انتظامی این کشور از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون همواره به صورت داوطلبانه و هوشمندانه - چه به‌طور مستقیم و چه غیرمستقیم - در وسط میدان امر به معروف و نهی از منکر به‌طور شفاف و خالصانه، نقش آفرینی و انجام وظیفه نموده که حداقل حضور مقتدرانه و انقلابی این نهاد مردمی در جبهه‌های جنگ و هشت سال دفاع مقدس و تقدیم مهم‌ترین فرماندهان و سرداران خود، شاهد گویایی بر این مدعاست. از طرف دیگر، بنابر نظر برخی از کارشناسان که بر این دیدگاه تأکید می‌ورزند که عملکرد گذشته هر سازمان، عملکرد آینده‌ی آن را پیش‌بینی می‌کند (میچل، ۱۳۷۷: ۴۸۲). بی‌شک بررسی عملکرد نیروی انتظامی می‌تواند این نهاد مهم را در دستیابی به اهداف خویش‌یاری رساند و مشروعیت و مقبولیت این نیرو را در نظر مردم تقویت و تحکیم بخشیده و نهادینه کند که ارمغان چنین دستاوردی همانا افزایش احساس امنیت در جامعه است. از همین رو، نگاهی به عملکرد گذشته ناجا در دو حوزه خدمات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری با رویکرد پلیس



مردمی و شهروند محور، نشان از توفیقات رضایت بخش و پیشرفت‌های گسترده‌ای دارد که دورنمای روشنی از سایر موفقیت‌های این نهاد در ایفاء رسالت‌ها و مأموریت‌های امنیتی و غیرامنیتی به‌ویژه درباره نقش آفرینی و خدمتگزاری در عرصه اجرای اثربخش فریضه اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر را به دست می‌دهد. لذا پلیس ناجا در طول قریب به دو دهه گذشته، عملکردهای نوآورانه، هدفمند، اقتدارگرا و مردم محوری همچون: مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ ناجا، مرکز نظارت همگانی و اطلاع رسانی ۱۹۷ ناجا و نیز مرکز آموزشی همیار پلیس (ویژه دانش آموزان) را در کارنامه خود ثبت و ضبط نموده است که مجموعاً در راستای تحقق بخش مهمی از اهداف و مأموریت‌های کلان این سازمان از قبیل: بسط، گسترش و بهبود تعامل مردم با نیروی انتظامی، افزایش احساس اعتماد مردم به پلیس، افزایش احساس امنیت، رضایت و آرامش مردم، مردمی کردن بیش از پیش پلیس، افزایش احساس مسئولیت و حسن پاسخگویی در مدیران و فرماندهان نیروی انتظامی، دستیابی به روش‌های انجام بهینه و مطلوب مأموریت‌های نیروی انتظامی و سرانجام: افزایش احساس اعتماد مردم به مسئولان نظام و گسترش دلبستگی آنان به کل نظام جمهوری اسلامی ایران گام برداشته است.

۷- راهبردهای ناجا در اجرای امر به معروف و نهی از منکر

هنگامی که از مأموریت ناجا در اجرای امر به معروف و نهی از منکر سخن گفته می‌شود، هدف آن نیست که این نهاد از مسئولیت اصلی و ذاتی خود در تأمین نظم و امنیت اجتماعی و اقتدار ملی، خارج شده و رویکرد و مأموریت جدیدی را برای خود تعریف و تصویر نماید و نیز این بدان معنا نیست که این سازمان نظامی، بارویکردهای انتظامی و ابزارهای امنیتی به ترویج ارزش‌ها و مبارزه با منکرات در سطح جامعه بپردازد و با همان قوه قهریه‌ای که با مجرمین و بزه‌کاران و متجاوزین رفتار می‌نماید با کسانی که به هر جهت ناقض معروف‌ها و عامل منکرات در جامعه هستند، برخورد کند؛ بلکه هدف غایی و مقصد اصلی از مشارکت ناجا در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، عبارت است از: تعریف و تخصیص کار ویژه جداگانه برای این سازمان تا در سایه آموزش و ایجاد بسترهای لازم و نیز هماهنگی و همگرایی با سایر نهادها و سازمان‌هایی که به‌طور خاص و مستقیم، متولی و مسئول اصلی احیاء و اجرای این واجب دینی

در جامعه هستند، به یک همکاری و هم‌افزایی در خوری در راستای تحقق این مهم نائل آیند تا دستگاه و یادستگاه‌هایی که به‌عنوان متصدیان اصلی و قانونی اقامه‌این فریضه شرعی معرفی شده‌اند از ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها، تجارب و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ناجا در اجرای هرچه بهتر این تکلیف الهی در جامعه اسلامی اهتمام ورزند.

به تعبیر دقیق‌تر، به مشارکت طلبیدن نیروی انتظامی در راستای تحقق امر به معروف و نهی از منکر و پذیرش آن از سوی ناجا به نوعی، به معنای گذاشتن بار مسئولیت سنگین اضافه‌تری بر دوش پر افتخار این سازمان اقتدارآفرین است، با چنین نگاه و نگرش مثبت اندیشانه‌ای اکنون باید گفت که بر اساس آیه شریفه: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (آل عمران/۱۰۴) می‌توان نیروی انتظامی را به‌عنوان یکی از مصادیق شایسته و کارآموده تعبیر قرآنی «أُمَّةٌ» و آن گروهی که به‌طور ویژه و ستادی مردم را به سوی خیر دعوت و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند، تلقی نمود. از همین روی مهم‌ترین و اساسی‌ترین راهبردهای ناجا در مقوله امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان در دو موضوع کلی، عنوان نمود:

۷-۱- راهبردهای عام

در این راهبرد، ناجا با اتکا و تمرکز بر ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها، تجارب و سوابق روشن خویش و نیز با بهره‌گیری از انبوه‌ها نیروهای متخصص و متعهد شاغل در خود ناجا اعم از: جامعه‌شناسان، روانشناسان، حقوق‌دانان، کارشناسان و نخبگان مذهبی، حوزوی و دانشگاهی، اقدام به جذب و تربیت نیروی انسانی توانمند، علاقه‌مند و شایسته برای اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌نماید. هر چند که ممکن است فرایند جذب و تربیت این بخش از کادر مخصوص ناجا تحت عنوان آمرین به معروف و ناهیان از منکر، نیروی انتظامی را تا حدودی با مشکلاتی از قبیل: محدودیت نحوه کار، صرف زمان و نیز تحمیل هزینه‌های مالی و انسانی مواجه کند؛ اما تردید نباید کرد که این طرح در بازه زمانی ۳ الی ۵ سال اثربخش و راهگشا خواهد بود.

در راهبرد عام نیروهای انسانی مورد نظر، پس از گذراندن مراحل گزینش و جذب استخدامی با شرکت در کلاس‌ها و کارگاه‌های استادان و کارشناسان ذیربط دوره‌های تربیتی و مهارتی لازم را در



جدول زمان بندی خاص فرا خواهند گرفت و سپس در مقام نیروهای متخصص و اجرایی در سطح شهر حضور داشته و به تبلیغ ارزش های اسلامی و ارشاد مردم خواهند پرداخت بی آنکه در فرایند تکلیفی خویش بخواهند از دستبند، اسلحه و هر قوه قهریه دیگری، استفاده کنند و یا در قالب های موسوم به گشت ارشاد، سامان دهی و عرضه شوند. امتیاز این راهبرد آن است که در آن آمران به معروف و ناهیان از منکر به عنوان مجموعه کادر نیروی انسانی ناجا، از حمایت های قانونی و معنوی ناجا در محاکم قضایی به هنگام بروز حوادث خاص بهره مند خواهند شد. بدیهی است که مأموریت این دسته از آمرین و ناهیان فقط در حوزه مسائل اخلاقی و تربیتی با رعایت شرایط و ضوابط ابلاغی خواهد بود و از پرداختن به سایر حوزه های خاص امنیتی و انتظامی معذورند.

۲-۷- راهبردهای خاص

منظور از راهبردهای خاص آن است که، ناجا به حسب ظرفیت ها و توانمندی ها و نیز تجارب و امکانات خاص خویش، صرفاً در حوزه ها و قلمرو های خاصی از مسائل کشور، ورود و مشارکت نموده و بر اساس همان توانایی ها و اولویت های موجود در دسترس خویش، به امر به معروف و نهی از منکر قیام می نماید. به عبارت دقیق تر، در این مرحله از راهبردها، نیروی انتظامی تنها، موارد و موضوعات معینی از آسیب های اجتماعی و منکرات موجود را رصد و به مبارزه با آنها اقدام می نماید و در سایر زمینه ها و حوزه های آسیب زای خرد و کلان مملکتی ورود پیدا نمی کند. از این رو، از بهترین راهبرد خاص ناجا در این فقره می توان به آسیب ها و جرایم نرم افزاری و سخت افزاری موجود در فضای مجازی و سایبری از قبیل شبکه های ماهواره ای، اینترنت، موبایل و مواردی از این دست اشاره نمود.

توضیح بیش تر آنکه: با رواج و گسترش شبکه های مجازی و سرعت انتشار این پدیده در میان اقشار گوناگون جامعه ایران به ویژه جوانان، دانشجویان و دانش آموزان در رده های مختلف سنی دختر و پسر از یک سو که باعث تهاجم فرهنگی و نیز تغییر سبک زندگی ایرانی- اسلامی شده و از سوی دیگر، مشکلات و ناهنجاری ها و آسیب های جبران ناپذیری را در نظام روابط خانوادگی و اجتماعی ملت ما به ویژه در میان اقشار مذکور به وجود آورده است، به نظر می رسد با توجه به شرایط و موقعیت کنونی جامعه ایرانی، بهترین مرجع و سازمانی که با دارا بودن بسترها و

توانمندی‌های سخت افزاری و نرم افزاری مورد نیاز ایجاب می‌کند که به تبیین آسیب‌ها و منکرات مهلک ناشی از استفاده نابجای این دست از فناوری دو لبه بپردازد و به‌طور عملی و عینی، امر به معروف و نهی از منکر نماید، نیروی اینارگر انتظامی است؛ اقدامی که قطعاً علاوه بر مسئولین ذیربط، مورد استقبال و حمایت جدی اقشار گوناگون مردم به‌ویژه خانواده‌ها و مراکز فرهنگی - آموزشی قرار خواهد گرفت. از این‌رو، در راستای نقش آفرینی جدی و اثربخش ناجا در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در این راهبرد خاص شایسته است که نیروی انتظامی جمهوری اسلامی با اتکا و اعتماد به سرمایه‌های مادی و معنوی خویش در طول سالیان متممادی خدمتگزاری، به تربیت و تجهیز بخشی از نیروهای کارآمد و هوشمند خود در حوزه فضای مجازی روی آورده و پس از برگزاری دوره‌های آموزشی مورد نیاز و کسب مهارت‌های لازم از آنان به‌عنوان آمران به معروف و ناهیان از منکر بهره‌جسته و با اعزام آنان حداقل به سمت مراکز علمی و آموزشی همچون: دانشگاه‌ها، مدارس، آموزشگاه‌ها و سایر مراکز فرهنگی که نسبت به سایر اقشار مردم در خط مقدم تهاجم فرهنگی و جنگ نرم فضای‌های مجازی قرار گرفته‌اند، سهم وافر از اجرای همه‌جانبه این فریضه شرعی را به خود اختصاص دهد.

بدیهی است که با توجه به راه اندازی مرکز پلیس فضای مجازی (پلیس فتا) این رویکرد برای ناجا، در مقایسه با سایر شیوه‌ها و راهبردها عملیاتی‌تر، کم‌هزینه‌تر و نتیجه‌بخش‌تر خواهد بود و بازخوردهای سازنده آن در کوتاه‌مدت و درازمدت برای همگان ملموس‌تر و عینی‌تر خواهد بود. از این‌رو، نگارنده بر این باور است که با عنایت به مأموریت‌های اصلی و ذاتی ناجا راهبردهای خاص فوق‌الذکر نسبت به راهبردهای عام از اهمیت، اولویت و بازدهی بیش‌تر و اثر بخش‌تری برخوردار خواهد بود.

۸- نتیجه‌گیری

۸-۱- فریضه امر به معروف و نهی از منکر در متون مقدس اسلامی، چنان نظام نظارتی دقیق، کارآمد، قوی و مسئولانه‌ای است که شهروندان هر جامعه را انسان‌هایی مسئول و مسئولیت‌پذیر می‌پروراند و ضمن ایجاد یکپارچگی اجتماعی و اتحاد ملی، امنیت ملی و اقتدار حکومت اسلامی



رادری خواهد داشت که باعث جلوگیری از تهاجمات گسترده دشمنان به مرزهای اسلامی و حفظ تمامیت ارضی جامعه اسلامی خواهد شد.

۸-۲- فریضه امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان اشرف فرائض، از یک سو دارای کارکردهای گوناگون تربیتی، اقتصادی، عمرانی، سیاسی و مدیریتی است که در سایه اجرای دقیق و همه جانبه آن، سایر فرایض و احکام دینی عملیاتی خواهد شد و از سوی دیگر، در صورتی که از جانب مسلمانان مشمول هر نوع بی‌اعتنایی و یا ترک فعل قرار گیرد، عواقب و پیامدهای آسیب‌زایی برای امت اسلامی به بار خواهد آورد که هویت و حیات فردی و اجتماعی و نیز امنیت معنوی و جغرافیایی مسلمین را به مخاطره جدی خواهد انداخت.

۸-۳- گذشت از مسئولیت‌های ذاتی و قانونی پلیس در راستای برقراری نظم و امنیت و ایجاد بسترهای لازم برای احساس امنیت از سوی شهروندان، نمی‌توان از نقش‌آفرینی مؤثر و تعامل هر چه بیش‌تر پلیس ناجا در مسیر اجرای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر غفلت نمود؛ چرا که اساساً با نیم‌نگاهی به ماهیت ذاتی پلیس در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌توان به روشنی دریافت که این نهاد انقلابی در طول سالیان خدمتگزاری خویش توانسته است به نوعی خاص، اعتماد و اطمینان آحاد شهروندان را به خود جلب نماید و همواره به عنوان پناهگاهی امن و مطمئن برای آنان متجلی شود و از سوی دیگر، هیچ‌گاه خشونت‌ها و نسل‌کشی‌های مبتنی بر اصل تبعیض نژادی و برخی دیگر از جرائم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری که پلیس غرب علیه شهروندان خود با شدت و حدت هر چه تمام‌تر انجام می‌دهد در مجموعه پلیس اقتدارگرا، امنیت مدار و مردمی ایران اسلامی وجود ندارد و این امر هیچ‌گاه باعث خروج ناجا از رسالت‌ها و مأموریت‌های اصلی آنان و یا تداخل در شرح وظایف و مأموریت‌های سایر دستگاه‌های ذیربط نخواهد شد. از همین رو، ناجا می‌تواند با اتخاذ سیاست‌ها و روش‌های راهبردی عام و خاص با ایجاد زمینه‌ها و بسترهای لازم در تمامی حوزه‌های اخلاقی-تربیتی و یا در بخشی از حوزه‌های تخصصی مرتبط با نظام اخلاقی و ارزشی جمهوری اسلامی در مسئله امر به معروف و نهی از منکر، نقش‌آفرینی عملی و اثربخش داشته باشد.

منابع

الف) کتاب

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی، عبدالواحد: (۱۳۷۶)، **غررالحکم و دررالکلم**، ترجمه و نگارش محمدعلی انصاری، بی جا.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۰)، **تحف العقول**، تهران، چاپ اسلامیة.
۴. احمد حسین، یعقوب: (۱۴۱۸)، **کربلاء الشوره و المأساه**، بیروت، الغدير للطباعة والنشر.
۵. باصری، احمد: (۱۳۸۷)، **تأثیر نظارت همگانی بر افزایش احساس امنیت در جامعه**، مجموعه مقالات دومین همایش علمی تخصصی ناجا و نظارت همگانی، تهران، انتشارات مرکز نظارت همگانی بازرسی کل ناجا.
۶. بنی اسدی، علی و حسینیان، سیمین: (۱۳۸۷)، **تأثیر نظارت همگانی بر افزایش احساس امنیت در جامعه**، مجموعه مقالات دومین همایش علمی تخصصی ناجا و نظارت همگانی، تهران، انتشارات مرکز نظارت همگانی بازرسی کل ناجا.
۷. ترابی، عباس (۱۳۸۱)، **بررسی شیوه‌های نظارت مردمی بر عملکرد کارکنان ناجا از دیدگاه کارشناسان ناجا**، تهران، دانشکده ستاد و فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۸. ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی: بی تا، **سنن الترمذی**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن: بی تا، **وسائل الشیعه**، بیروت، دار احیاء التراث العلمی.
۱۰. راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبه الله: (۱۴۰۵)، **فقه القرآن**، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر: بی تا، **الکشاف**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۲. شریف القرشی، الشیخ باقر: (۱۳۹۵)، **حیاه الامام الحسین (ع)**، نجف، مطبوعه الاداب.
۱۳. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان: (۱۴۱۰)، **المقنعه**، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۴. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد: (۱۴۰۲)، **المعجم الکبیر**، موصل، مکتبه الزهراء.

۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸)، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن: (۱۴۰۱)، تهذیب الاحکام، بیروت، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۷. —————، (۱۴۰۹)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۸. علی بن ابی طالب (۱۳۸۱) نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات وجدانی.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب: (۱۳۸۸)، الکافی، نجف، دار الکتب الاسلامیه.
۲۰. محمدی ری شهری، محمد: (۱۳۶۷)، میزان الحکمه، بیروت، منشورات مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۱. میچل، ترنس آر: (۱۳۷۷)، مردم در سازمان‌ها، ترجمه حسین شکرشکن، تهران، انتشارات رشد.
- ب) مقاله**
۱. شریفی، حسین: (۱۳۸۷)، نظارت بر کارکردهای پلیس در جهت تأمین حقوق شهروندی با تأکید بر اسناد بین‌المللی، مجموعه مقالات دومین همایش علمی تخصصی ناجا و نظارت همگانی، تهران، انتشارات مرکز نظارت همگانی بازرسی کل ناجا.